

تجربه مدیریت نهادهای انقلاب اسلامی

به عنوان سازمانهایی نوین،

الگویی برای مهندسی فرهنگی سازمانها

دکتر مهدی ناظمی اردکانی

استادیار دانشگاه امام حسین(ع)

پذیرش نهایی: ۸۶/۱۲/۱

دریافت: ۸۶/۶/۵

چکیده

نهادهای انقلاب اسلامی، سازمانهای نوینی به شمار می آید که با فرمان معمار انقلاب اسلامی، حضرت امام(ره) طراحی و تشکیل شد. فلسفه وجودی این سازمانها را باید از دل ویژگیها و مقتضیات زمان و از جوهر آرمانها و رسالت انقلاب اسلامی دریافت.

نهاد، سازمانی ارگانیک است که مهندسی و مدیریت آن با فرهنگ و ارزشهای جامعه سازگار است. این گونه سازمانها می تواند پاسخگوی نیازهای محیط پیرامونی خود باشد و انحلال پذیر نباشد.

بخش زیادی از سازمانهای رسمی امروز کشور به رغم تحولاتی که در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی در آنها ایجاد شده، هنوز از ویژگیهای بوروکراتیک کاملاً فاصله نگرفته است و آسیبهای پیروی از الگوی توسعه مکانیکی سازمان را تحمل می کند.

برای اینکه این دسته از سازمانها دارای مدیریتی اثربخش شود و بتواند نیازهای جامعه را پاسخ دهد، لازم است در طراحی و مهندسی آنها، رویکرد نهادی اعمال شود و در آنها نوسازی، بازسازی و مهندسی مجدد صورت پذیرد.

تجربه مهندسی و مدیریت نهادهای انقلاب اسلامی می تواند راهنمای خوبی برای این تحول در سازمانهای رسمی و کلاسیک موجود کشور باشد.

کلید واژه ها: نهاد اجتماعی، نهاد انقلاب اسلامی، نهادگرایی، مهندسی فرهنگی سازمانها.

مقدمه

حکومتها و سازمانها و افراد، هدفی غایی یا اهدافی واسط را دنبال می کنند. نوع اهداف و ویژگیهای کمی و کیفی آنها موجب خط مشی ها، استراتژیها و فرهنگ و ساختار و منابع و امکانات خاص می شود.

صاحب نظران برنامه ریزی براین باورند که هدفهای دوربرد باید منشأ ضوابط و اصول کلی حاکم بر ساخت سازمانی مطلوب برای اجرای برنامه ها باشد. در همین راستا شاخصهای ارزیابی عملکرد مدیران و کارکنان نیز باید از هدفی نشأت گرفته باشد (رضائیان، ۱۳۷۴).

با تغییر حکومتها در واقع، تغییر اهدافی که در جامعه ای از طریق حکومت آن دنبال می شده است و یا تغییر اهداف هر سازمان و حتی تغییر اهداف هر فرد باید تغییر در ارکان وجودی آن جامعه و سازمان و فرد انتظار داشت و آن را به عنوان اصل و قاعده ای در نظر گرفت.

پیروزی انقلاب اسلامی به دنبال تمایل عمومی افراد جامعه اسلامی به حاکم شدن ارزشهایی نوین و مغایر با ارزشهای مطرح شده از جانب رژیم سابق به وقوع پیوست. این پیروزی، تغییر در اهداف حکومت و سازمانهای تابع آن را پدید آورد. نیازهای این تغییر بنیادی موجب شد که علاوه بر ضرورت تغییر در اهداف و ارکان سازمانهای موجود، ضرورت ایجاد سازمانهایی نوین را هم در پی داشته باشد.

«با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، نظام مقدس جمهوری اسلامی شکل گرفت و بر اثر آن هدفهای سازمانی تغییر کرد. در آغاز به دلیل عدم توان سازگاری سازمانهای بوروکراتیک با این هدفها، نهادهای انقلاب اسلامی شکل گرفت. سرعت تغییرات به گونه ای بود که شاخصهای عملکرد نشأت گرفته از این اهداف نوین تبیین

نشد و از این رو مدیران با مشکلات گوناگونی رو به رو شدند. یکی از این معضلات این بوده است که مدیر با الهام از اهداف مقدس نظام جمهوری اسلامی تصمیم می‌گیرد ولی براساس قوانین و مقررات بوروکراتیک عاریتی غربی باقیمانده از رژیم منحوس پهلوی ارزیابی می‌شود به گونه‌ای که گاه پرکاری جرم است؛ ایشار خلاف است؛ عبادت ریاست و احسان، باجخواهی تعبیر و تفسیر می‌شود. روشن است که جمع این دو نیز شایسته مدیریت در نظام اسلامی و مبتنی بر ارزشهای اسلامی نبوده و نیست» (رضائیان، ۱۳۷۴).

برای حل مشکلاتی که بر سر راه تحقق اهداف انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی قرار دارد، لازم است عوامل محیط داخلی سازمانها اعم از برنامه و استراتژی، ساختار، فرهنگ و ارزشها، تکنولوژی و مقررات و قوانین، رهبری، مهارتهای نیروی انسانی را متناسب با این اهداف توسعه بخشید و در واقع، الگوی توسعه‌ای یافت که با به کارگیری آن، امکان رشد و تحول سازمانها و عوامل داخلی آنها فراهم شود.

مفهوم شناسی نهاد

تعاریف مختلفی برای نهاد از دیدگاه‌های مختلف فلسفی و جامعه‌شناسی ارائه شده است. معانی لغوی متفاوتی برای واژه نهاد در فرهنگهای لغت لاتین و فارسی آمده است. منتهی آنچه در همه این تعاریف و توصیفهای متفاوت وجود دارد، مفهوم پویایی و پایایی است؛ بدین معنی که آنچه بافطرت و طبیعت انسان و جوامع انسانی سازگاری دارد و برای رشد و استمرار وی، موجود می‌گردد، چه در قالب روابط اجتماعی، عرف و ارزشها باشد و چه در قالب جمعها و تشکلهای سازمانهای انسانی، نهادی است که رشد می‌کند؛ باقی می‌ماند تا نیازهای فطری انسانی تأمین شود.

در این بخش با مرور تعاریف و توصیفهایی که در مورد نهاد شده است، تلاش می‌شود تعریفی از نهاد انقلاب اسلامی، که گرچه مفهوم عام نهاد را در خود دارد به صورت خاص، اعتبار شده است، ارائه شود؛ بدین معنا که تعریفی کاربردی از نهاد انقلاب اسلامی صورت پذیرد تا در مباحث بعدی در مورد آن تعریف، تفاهم به دست آید.

معنای لغوی

در یک مفهوم، کاربرد این واژه، ایجاد، دایر کردن، برقرار نمودن و تأسیس کردن است. بنابراین در این زمینه می‌توان از نهادهای ملی، نهادهای بین‌المللی و نهادهای مذهبی نام برد.

در مفهوم کلی‌تر، نهادها مجموعه‌ای از صورتها یا ساختهای اجتماعی است که توسط قانون یا عرف و عادت ساخته و پرداخته شده است بویژه آن دسته از آنها که برخاسته از حقوق عمومی یا مناسبات دولت با مردم است.

«نهاد»، کلمه‌ای فرانسوی و انگلیسی است که در معنی تأسیس و مؤسسه تعبیر می‌شود ولی چون کلمه تأسیس و مؤسسه وافق به مقصود نیست و بعضی از امور را نهاد می‌نامیم که در لفظ تأسیس و مؤسسه درست معرفی نمی‌شود انستیتوسیون را «نهاد» ترجمه کرده‌اند.»

تعریف نهاد در جامعه‌شناسی

تعاریف مختلفی برای نهاد (نهاد اجتماعی) از دید بنیانگذاران جامعه‌شناسی با تکیه بر روابط اجتماعی با تکیه بر اعمال اجتماعی با تکیه بر کنترل اجتماعی با تکیه بر نیاز جامعه با تکیه بر ساخت اجتماع با تکیه به نقش و کارکرد با تکیه بر اصالت فرهنگ ارائه شده است.

نهاد را با تأکید بر اعمال اجتماعی چنین تعریف می‌کنند:

نهاد، گونه‌های استقرار یافته و یا مجموعه‌ای از روش عمل و رویه‌هاست که فعالیت یک گروه را ویژگی می‌بخشد.

تعریف نهاد با تأکید بر نیاز جامعه چنین است:

نهادهای انگاره‌های مستقری برای رفع نیازمندیهای متعدد انسانی با شیوه‌هایی است که مقبولیت عام پیدا می‌یابد؛ دارای ساخت می‌شود، برمی‌خیزد و رشد و نما می‌یابد. نهاد با تأکید بر روابط اجتماعی چنین تعریف شده است:

«نهاد اجتماعی، مجموعه‌ای از اصول و مقررات است که در جامعه پایه می‌گیرد و بر رفتار انسان حکومت می‌کند به گونه‌ای که سرپیچی از آنها مشکل و نامقدور است. به این ترتیب اصطلاح نهاد اجتماعی در معنی واقعی به آن دسته از مؤسسات اجتماعی اطلاق می‌گردد که دارای این ویژگیها باشد» (ایروانی، ۱۳۷۴: ۹-۶).

تعریف نهاد با تأکید بر اصالت فرهنگ چنین است:

نهاد به مجموعه‌ای انتزاعی از ارزشها، هنجارها، اعتقادات سازمان یافته اطلاق می‌شود که در جامعه به درجه تصویب و تثبیت رسیده و کنترل کننده رفتار افراد جامعه است. نهادهای از طبیعت جامعه برمی‌خیزد و دارای دوام، عمومیت، انحلال‌ناپذیری و پویایی است (خلیجی، ۱۳۶۹).

نهاد اجتماعی

در علوم اجتماعی نهاد اجتماعی، «نظام سازمان یافته‌ای از روابط اجتماعی است که پاسخگوی برخی نیازهای جامعه است».

نهادهای اجتماعی محدوده و سیعتری را نسبت به نهادهای انقلابی دارد؛ به عنوان مثال هر نهاد انقلابی که در عرصه آموزش فعالیت می‌کند، جزء بسیار کوچکتري از نهاد آموزش و پرورش در جامعه است. نهادهای عمده اجتماعی عبارت است از: آموزش و پرورش، اقتصاد، سیاست، مذهب، خانواده که هر یک از نهادهای انقلابی در حیطه وسیع یکی از نهادهای اجتماعی موجود آمده است.

بنابراین ملاحظه می‌شود که نهادهای انقلاب به لحاظ لغوی ناشناخته است و در فرهنگ انقلاب باید به جستجوی آن پرداخت و به گونه‌ای مفاهیم موجود را با آن منطبق ساخت (محمدی، ۱۳۶۹: ۳۸۳).

انواع نهادهای اجتماعی

جامعه‌شناسان با توجه به تعاریف، مفاهیم و ویژگیهای نهادها، آنها را به دو دسته کلی زیر تقسیم می‌کنند:

نهادهای اصلی و اساسی که به آنها نهادهای خاص و نخستین نیز گفته می‌شود؛ مانند نهاد خانواده، حکومت و دین.

نهادهای فرعی و موقتی که نهادهای عام و قانونی نیز نامیده می‌شوند؛ مانند تأسیسات و مؤسسات ورزشی، تفریحی، تجاری و غیره.

نهادهای اصلی و اساسی

بیشتر جامعه‌شناسان در باب چهار دسته نهادهای اصلی و اساسی زیر با هم توافق دارند:

نهادهای خانوادگی و خویشاوندی

نهادهای سیاسی

نهادهای اقتصادی

نهادهای فرهنگی، علمی، مذهبی، فلسفی، تربیتی

شهید مطهری در کتاب جامعه و تاریخ می‌گوید:

«جامعه از نهادها و تأسیسات اصلی و فرعی تشکیل شده است. این نهادها و افرادی که این نهادها به آنها وابسته است همه به یکدیگر وابسته و پیوسته‌اند. تغییر در نهادی اعم از نهاد فرهنگی، مذهبی، اقتصادی، سیاسی، قضایی، تربیتی موجب تغییراتی در نهادهای دیگر می‌شود» (مطهری، ۱۳۷۸: ۳۳۶)

نهادهای فرعی و موقتی

این گونه نهادها بنا بر نیاز و به اراده و هماهنگی اعضای جامعه ایجاد می‌شود و زمانی که کارکرد آنها مورد نیاز جامعه باشد، دوام می‌آورد و وقتی نیاز برطرف شد، رفته‌رفته متلاشی می‌شود.

این قبیل نهادها به نیازهای درجه دوم انسان پاسخ می‌گویند و غالباً از متفرعات نهادهای نخستین و اصلی و اساسی به شمار می‌رود (ایروانی، ۱۳۷۴: ۱۶-۱۴).

تفاوت سازمان و نهاد

دیدگاه سنتی مدیریت نسبت به سازمان و نظام اداری بوروکراتیک در جوامع، چنان سابقه‌ای دارد که بیان عنوان سازمان، کلاسیک بودن را هم با خود دارد. لذا در

اینجا تفاوتی که بیان می‌شود در واقع، تفاوت بین سازمان کلاسیک و مکانیکی با سازمان ارگانیک و پویا به عنوان نهاد است. بنابراین نهاد، همان سازمان پویا و ارگانیک و باز است که ابزار منطقی به حساب نمی‌آید بلکه حاصل فرایندهای اجتماعی برای رشد و تکامل است. سلزنیک به عنوان صاحب‌نظری که از شاگردان وبر، بنیانگذار بوروکراسی است با بررسی تنگناهای نظریه بوروکراسی، موضع سازمانی نهادها را مشخص می‌سازد.

در مورد سازمانها به عنوان سیستم‌های باز و از نوع مدل‌های طبیعی نظریه‌پردازیهای مختلف شده است. نظریه نهادی، ساختار سازمانی را به عنوان ارگانیزم سازگار پذیر تلقی می‌کند که در پاسخ به ویژگیها و تعهدات افراد و تأثیرات محیط بیرونی شکل می‌گیرد.

فرایندی را که سازمان با آن ویژگی ساختاری متمایزی را برای خود ایجاد می‌کند، نهادی شدن می‌نامند. نهادی شدن، القای ارزشها و رای قواعد و ضوابط و روابط رسمی و کلاسیک است.

واژه «سازمان»، سیستم ساده، مشخص، دقیق و منطقی از فعالیتهای هماهنگ شده آگاهانه را نشان می‌دهد. این واژه به ابزار ضروری و وسیله عقلانی طراحی شده برای اجرای یک کار اشاره دارد؛ ولی «نهاد» محصول طبیعی نیازها و فشارهای اجتماعی، و ارگانیزم تأثیرپذیر و تطبیق پذیر است.

تعهدات نهادی در رویارویی با محدودیتهای فشارهای محیط بیرونی و تغییرات در ترکیب کارکنان، علائق و روابط غیررسمی آنان ایجاد می‌شود. هیچ سازمانی کاملاً از این فشارهای داخلی و بیرونی در امان نیست؛ گرچه حدود نهادی شدن از هر سازمان به سازمان دیگر تفاوت می‌کند.

نهادگرایی

نهادگرایی، القای و انتخاب اصول و موازین و ارزشهای حاکم محیطی و به وجود آوردن ساختار متناسب آنها یا گسترش ساختارهای درون سازمانی بر مبنای آن ارزشها برای تداوم، رشد و رسیدن به اهداف عالیترا سازمان است. فرایند نهادی شدن، فرایند رشد ارگانیک است که طی آن سازمان، خود را با آرمانهای گروه‌های داخلی و ارزشهای محیط خارجی تطبیق می‌دهد.

مقایسه سازمان و نهاد در بیان مکتب نهادی

بعضی از سازمانها فقط به عنوان ابزار منطقی است که بدون هیچگونه تأسفی می‌توان آنها را کنار گذاشت. سازمانهای نهادی شده، ویژگیهای جدایی دارد که به آنها نه فقط به لحاظ کالاها و خدماتی که ارائه می‌کنند، ارزش می‌بخشد، بلکه مردم، زندگی خود را در محدوده آنها بنا می‌کنند؛ با آنها شناسایی می‌شوند و به آنها متکی می‌شوند.

جدول شماره ۱- مقایسه نهاد و سازمان

سازمان

نهاد

دید ابزاری، وسیله عقلانی، افزار، مهندسی با تکنسین‌هایی که آن را هدایت می‌کنند.	مدیریت متعهدانه، با هویت و هدف روشن، در خدمت آرمانهای اعضایش
دیدسطحی، فرصت‌گرایی، بدون رهبری هدفدار	توانایی تطبیق، حساس، بارور شده با ارزشهای جامعه

منبع: (ایروانی، ۱۳۷۴: ۷۱-۴۹)

تعریف کاربردی نهاد انقلاب اسلامی

در تعریف کاربردی نهاد انقلاب اسلامی باید مسائل ویژه‌ای را در نظر داشت تا حدود و ثغور این نهادها بدرستی مشخص شود و تداخلی در انتساب یا عدم انتساب نهادهای انقلابی صورت نگیرد.

تعریف ارائه شده توسط مجلس شورای اسلامی مورخ ۸۴/۱۱/۱۶ واجد بسیاری از ویژگیهای لازم است.

«منظور از نهاد انقلاب اسلامی موضوع این قانون، واحد سازمانی مشخص است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی براساس ضرورتها و نیازهای انقلاب اسلامی بنا به فرمان ولی فقیه و یا به ابتکار و اراده مردم به صورت خودجوش ایجاد گردیده و سپس به طور مستقیم و یا غیرمستقیم مورد تأیید رهبری، شورای انقلاب، مجلس شورای اسلامی قرار گرفته است و یا در اجرای قانون اساسی بعد از انقلاب تأسیس گردیده باشند.»

چهار ویژگی عمده برای نهاد در این تعریف وجود دارد:

- ۱- نهاد انقلاب واجد سازمان مشخص است.
- ۲- تشکیل براساس ضرورتها و نیازهای پس از انقلاب اسلامی
- ۳- مردمی بودن نهادها
- ۴- فرمان و تأیید رهبری و حکومت انقلاب اسلامی (محمدی، ۱۳۶۹: ۳۸۴).

اقسام نهادهای انقلاب اسلامی

۱- نهادهای نظامی و امنیتی

کمیته انقلاب اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروی مقاومت (بسیج بیست میلیونی)، وزارت اطلاعات، ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح

۲- نهادهای اقتصادی و خدماتی

الف- نهادهای اقتصادی

جهاد سازندگی، هیئت هفت نفره واگذاری زمین، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، جهاد خودکفایی نیروهای مسلح، وزارتخانه‌ها

ب- نهادهای خدماتی

بنیاد مستضعفان و جانبازان، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، بنیاد شهید انقلاب اسلامی، کمیته امداد امام خمینی (ره)، بنیاد ۱۵ خرداد، بنیاد مهاجرین جنگ تحمیلی، سازمان زمین شهری، مرکز خدمات حوزه‌های علمیه، ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره)

۳- نهادهای فرهنگی

نمایندگی‌های امام و رهبری در استانها، ارگانها، دانشگاه‌ها، خارج از کشور، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، سازمان تبلیغات اسلامی، دبیرخانه ائمه جمعه و ستادهای نماز جمعه، شورای عالی انقلاب فرهنگی، دانشگاه تربیت مدرس، جهاد دانشگاهی، مراکز تربیت معلم، انجمنهای اسلامی دانشگاه‌ها، ادارات، سازمانها، محلات، مدارس، کارخانجات، اصناف، نهضت سوادآموزی، عقیدتی - سیاسی نیروهای مسلح، شورای عالی تبلیغات اسلامی، امور تربیتی مدارس، مرکز جهانی علوم اسلامی، شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، حوزه اندیشه و هنر اسلامی،

مؤسسه تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، مؤسسه دائرة المعارف اسلامی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
 ۴- نهادهای قضایی

دادسرای انقلاب اسلامی، دادگاه‌های انقلاب اسلامی، پلیس قضایی، دادگاه ویژه روحانیت، هیئتهای پاکسازی ادارات
 ۵- نهادهای سیاسی و تقنینی

شورای انقلاب، مجلس خبرگان قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان دوم (رهبری)، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی امنیت ملی

فلسفه و ضرورت وجودی نهادهای انقلاب اسلامی

گرچه واقعیت وجود نهادهای انقلاب اسلامی در جامعه، بیانگر ضرورت وجودی آنها برای استقرار انقلاب اسلامی است، عدم شناخت کامل فلسفه و ضرورت وجودی نهادها باعث می‌شود که اولاً وجود و حضور نهادهای انقلاب اسلامی موقت دانسته شود و به عنوان اقدامی مقطعی برای رفع ضرورت‌های ایجاد شده در سالهای اوایل انقلاب تصور گردد، و بنابراین آینده‌ای برای آنها پیش‌بینی نشود و به جای اینکه با تحقیق و مطالعه، جایگاه آنها تعیین، و برای توسعه آنها استراتژی و الگوی مناسب در نظر گرفته شود در جهت محدود کردن و ادغام و حذف آنها و سپردن وظایف و مأموریت آنان به سازمانهای گذشته و بوروکراتیک نظام اقدام شود. افزون بر آن اگر هم وجود و حضور نهادها، موقتی دانسته نشود، اولاً تصمیمات و اقدامات و امکانات لازم و مناسب برای تثبیت و توسعه جایگاه نهادها، بروز مؤثر نداشته باشد.

ثانیاً در اتخاذ سیاست و استراتژی بهره گیری از الگوی توسعه نهادهای انقلاب اسلامی در مجموعه سازمانهای نظام اداری تأکید و توجه کامل صورت پذیرد.

بنابراین به جاست که فلسفه و ضرورت وجودی نهادهای انقلاب اسلامی از دیدگاه حضرت امام (ره) و صاحب نظرانی که دارای شناخت لازم از نهادهای انقلاب اسلامی و آرمانهای انقلاب اسلامی هستند، مورد توجه قرار گیرد. حجة الاسلام محمدعلی انصاری، عضو دفتر حضرت امام (ره):

بعضی ها تصورشان براین است که حضرت امام (ره) اصلاً هدفی برای نهادها نداشتند و از روز اول پیروزی انقلاب مترصد حوادث و مسائل انقلاب بودند که ببینند اگر ضرورتی ایجاب کرد، گروهی را برای مقابله نقش موقت بدهند. درحالی که مبانی علمی و تئوری و فقهاتی و استنباطی امام در گذشته ها و حتی قبل از پانزده خرداد نشان می دهد که امام درصدد تحقق کلیه نهادها و ارگانهای مقدس انقلاب اسلامی بودند اما مشروط به فراهم شدن زمینه ها و شرایط لازم.

در آغاز پیروزی انقلاب از حضرت امام سؤال می شد که شما در آینده حکومت چه می خواهید بکنید. امام تأکید می کردند که ما می خواهیم کارهای اساسی و کلیدی جامعه را به دست کسانی بدهیم که متعهد هستند و در مقابل انقلاب وفادارند و به ارزشهای فقهت اعتماد دارند.

وقتی فلسفه وجودی نهادهای انقلاب، دادن امکانات کشور به دست متعهدین و ارائه حکومت عملی اسلام است، فلسفه بقای آنها هم همین است. کسی نباید تردید کند که نهادها باید تا روزی که ما به اوج اقتدار و پیروزی رسیده ایم پابرجا باشند (انصاری، ۱۳۶۹: ۳۴۷-۳۴۰).

دکتر خلیجی دو دسته نیازهای نوین جامعه بر اثر انقلاب عبارت است از: نیازهای انقلاب فرهنگی که همان تعالی و شکوفایی معنوی انسانها و درنهایت نزدیک گردانیدن آنان به مبدأ متعال است.

نیازهای انقلاب و تحولات اقتصادی و اجتماعی، جبران عقب ماندگیها و رستن از بندهای سلطه و استعمار

این دو دسته نیازها را نهادهای موجود جامعه نمی توانستند برآورده سازند؛ چرا که این نهادها گرفتار تحولات منفی شده و محتوای آنها به سود دشمنان اسلام و ملت ایران بود. نهادهای قدیمی به جای پاسخگویی مستقیم به نیازهای جامعه، نیازهای اجتماعی را در نطفه خفه می کردند و از حرکت و سرعت به وجود آمده توسط انقلاب می کاستند (خلیجی، ۱۳۶۹: ۱۰۴).

حجة الاسلام عبدالله نوری، نماینده امام در جهاد سازندگی و سپاه و وزیر کشور: انقلاب برای تأمین خواسته های خود نیاز به تشکیلات و سازمانهای مناسب و متناسب داشت و نمی توانست در ابعاد مختلف، حل مشکلات درازمدت و کوتاه مدت را نادیده بگیرد و صبر کند تا اینکه زمانی، نهادهای سنتی برای همکاری جدید با انقلاب و تأمین نیازهای انقلاب آماده شوند (نوری، ۱۳۶۹: ۱۸۱).

عسکراولادی، نماینده ولی فقیه در کمیته امداد امام: نهادهای انقلاب اسلامی را حضرت امام به مناسبت ضرورت زمان از متن مردم و با کمک آنان و در مسیر رشد انقلاب تحقق بخشیدند (عسکراولادی، ۱۳۶۹).

در یک جمع بندی می توان فلسفه و ضرورت وجودی نهادهای انقلاب اسلامی را

چنین برشمرد:

- ۱- مبانی علمی و نظری و فقهاتی و استنباطی بنیانگذار جمهوری اسلامی
- ۲- واگذاری اختیارات و مسئولیت کارهای اساسی و کلیدی جامعه به افراد متعهد
- ۳- تأمین نیازهای انقلاب و ایجاد تحول در نظامهای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، صنعتی جامعه و عدم امکان تأمین این نیازها توسط سازمانهای موجود

تجزیه و تحلیل علل پیدایش نهادها در هر جامعه و پیدایش نهادهای انقلاب اسلامی در ایران

انقلاب اسلامی ایران با توجه به فرهنگ ملی-اسلامی مردم کشورمان عمدتاً خاستگاهی مذهبی و فرهنگی دارد؛ لذا برای تجزیه و تحلیل پیدایش نهادهای انقلاب اسلامی باید بیشتر از تحلیلهایی استفاد کرد که با این ویژگی سازگاری دارد. باور اصلی فرهنگ انقلاب اسلامی، قائل بودن به کرامت والای انسانی در پناه حاکمیت خداوند و عبودیت درمقابل او و آزادی از سلطه حاکمیت‌های غیرالهی است. این باور ساختار سیاسی و اداری و مدیریتی جامعه را سخت تحت تأثیر قرار می‌دهد. محوری‌ترین علت پیدایش نهادهای انقلاب اسلامی به عنوان نیاز حیاتی جامعه، سازگار سازی هویت سازمانها با این باور است.

هر جامعه ای را در دو لایه می توان تجزیه و تحلیل کرد:

۱- باورها و پندارها

۲- نهادهای اجتماعی

مقصود از باورها مجموعه عقاید ارزشگذاری شده در اندیشه‌هاست که مردم

برطبق آنها و یا به خاطر آنها زندگی می‌کنند.

باورها غالباً به صورت عقاید، مسلک، اسطوره در انسان تجلی می‌کند. هرگاه باور انسان را در مورد موضوع یا پدیده‌ای خاص مورد توجه قرار دهیم، حداقل به سه جزء بر خواهیم خورد:

الف- ارزشها که به صورت مطلوبهای غایی در ذهن وجود دارد.

ب- هنجارها یعنی آن قالب و الگوی مطلوبی که ارزشها باید در آن قالب تحقق عینی بیابد.

ج- نشانه‌ها و ابزار که وسایل مطلوب و مورد نظر برای تحقق ارزشهاست.

اگر این عناصر در میان افراد جامعه همگون نباشد، همگونی در رفتار متقابل نیز امکان‌ناپذیر و یا مشکل است. این باورها در زمینه‌های گوناگون مذهبی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی، اقتصادی، اخلاقی و غیره در جامعه وجود دارد که مجموعه اندیشه و پندار و فرهنگ جامعه را تشکیل می‌دهد.

«انسان برای تحقق باورهای خویش در حیات فردی و اجتماعی نیازمند فنون و ابزار و مهارتهای متناسب است که از آن به عنوان تکنیک یاد می‌شود. تکنیکها مجموعه وسایل، مهارتها و شناخت انسان در دستیابی به اهداف و پدیده‌های خارجی یا به عبارت دیگر تحقق و عینیت یافتن باورها را تشکیل می‌دهد. دانش انسانی، ابزارهای مادی، تواناییهای فنی و فکری و روابط اجتماعی همگی از مقوله تکنیک است.» (ابوالحسنی، ۱۳۶۹: ۱۵۰).

«این تکنیکها در جامعه به صورت نهادها و سازمانهای مختلف اجتماعی از قبیل نهادهای حقوقی، سیاسی، اقتصادی، مذهبی، فرهنگی و غیره شکل می‌گیرد و سازمان می‌یابد؛ لذا بخش دیگری از جامعه را نهادهای عینی تشکیل می‌دهد که همان واقعیات و محیط اجتماعی هر جامعه است.»

باورها از لحاظ خاستگاه حداقل به سه نوع باور تقسیم می‌شود:

۱- باورهای مذهبی که منشأ آن احکام الهی است و مجموعه آن از جانب خداوند به انسان اعطا شده است.

۲- باور مدنی یا عقلانی که از اومانیسم پس از رنسانس سرچشمه گرفته است که خاستگاه و غایت آن را انسان تشکیل می‌دهد. این نوع باور از زمان پیدایش تاکنون موجب تکوین انواع ایدئولوژیها و مسلکها و مکاتب نظیر دموکراسی، سوسیالیسم، کمونیسم، فاشیسم، آگزیستانسیالیسم و غیره شده است.

۳- باور سنتی که خاستگاه آن عادت جامعه و سنت گذشتگان است.

بر این اساس، نمی‌توان در جامعه‌ای واحد در زمینه اقتصادی از باور مدنی و در زمینه سیاست از باور مذهبی برخوردار بود؛ بلکه مجموعه عناصر و ابعاد باور در هر جامعه مثل عناصر هر سیستم دارای ارتباط متقابل است و باید با یکدیگر دارای تناسب و همگونی باشد.

موضوع و اصل مهم دیگری که باید به آن اشاره شود، تناسب و همگونی باورها و نهادها و تکنیکها با یکدیگر است. اساساً هر باوری در قالب و چارچوب خاصی می‌تواند تحقق عملی یابد و هر نوع نهادی متناسب باوری خاص است؛ به عنوان مثال باور دموکراسی در قالب نظام پارلمانی و فراوانی مراکز تصمیم‌گیری و مشارکت عمومی و باور فاشیسم، مستلزم نهادهای دارای سلسله مراتب شدید قدرت است.

- آیا در تغییرات اجتماعی و سیاسی باورها متغیر است یا تکنیکها؟

مارکس در پاسخ می‌گوید که هر دو، روبنا یعنی تابع است و زیربنا یا متغیر همان نیروهای تولید است که براساس قواعد خاص علمی دچار تحول می‌شود.

در نگرش دیگر باورها و نهادهای اجتماعی در ارتباط با یکدیگر، یکی متغیر و دیگری تابع است که در این میان باورها متغیر است و تکنیکها (نهادهای) تابع را تشکیل می‌دهد.

هر انقلابی بیانگر تغییر در باورهاست و نطفه هر انقلابی از تغییر در باورها بسته می‌شود. هیچ انقلاب اجتماعی و سیاسی در جامعه ظاهر نمی‌گردد مگر اینکه قبلاً باورهای جامعه تحول یافته باشد. «ان... لایغیر مابقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» (رعد/۱۱)

هر باوری مستلزم روش و نهادهای اجتماعی خاص و مناسب خویش است؛ به عبارت دیگر هر باوری می‌تواند فقط در قالبی خاص تحقق عینی و عملی یابد. بنابراین تغییر در باورها، تحول در ساختارها و نهادهای اجتماعی را نیز به دنبال خواهد داشت.

باور قدیم، ساختار متناسب خویش را دارد که به علت کارآیی نداشتن در برآوردن نیازها و آرمانها و ارزشهای نوین به شکست کشانیده می‌شود و لذا باور نوین نیز پس از پیروزی باید ساختار و هنجار متناسب خویش را فراهم سازد.

دو باور اساسی نظام گذشته عبارت است از:

۱- باور سنتی ناشی از تاریخ ایران، باور بنیاد نظام سیاسی مبتنی بر سلطنت که سلطان سایه خدا به شمار می‌آید و مردم جامعه نه شهروندان بلکه بندگان و رعایا و اتباع به حساب می‌آیند؛ لذا اطاعت بدون قید و شرط و فرمانروایی مطلق از ویژگیهای آن است.

۲- باور عقلانی که وجود اسمی داشت و رسماً در مواقعی اندک حاکمیت یافت.

در این باور اومانیسم و اصالتش در فلسفه سیاسی و به تبع آن لیبرالیسم و دموکراسی و اصل نمایندگی در سیاستگذاری از اصول اساسی به شمار می آید. نوشتن قانون و قانونمدار کردن نظام سیاسی از شیوه‌های اولیه این نوع باور است. برای تمامی افعال و حرکات و موقعیتها و مکانها باید قانون مدون وجود داشته باشد. هر نوع کنشی باید در ابتدا قانونش تدوین شود و پس از تنظیم آیین‌نامه‌های اجرایی به مرحله اجرا رسد. طبیعی است که هرگونه اقدامی گرچه مفید به حال اجتماع و انسانها خارج از قانون، مخالف ارزش اجتماعی و سیاسی به شمار خواهد آمد. بنابراین برای تحقق این باور، سازمانی بوروکراتیک عریض و طویل لازم می آید. این باور، که پس از رنسانس در غرب به وجود آمد، همراه با انقلاب مشروطیت وارد ایران شد و بخشی از باور انقلاب مشروطیت گردید به رغم اینکه رهبران انقلاب مشروطیت، مذهبی و رهبران مذهبی بودند به دلایل متعدد، باور عقلانی به جای باور روحانی بر ساختار سیاسی حاکم شد؛ گرچه این باور نیز در عمل به علت خودخواهی پادشاهان و نبودن آگاهیهای سیاسی و اجتماعی کاربرد اندکی داشت. ساختار متناسب با باور قانونی، بوروکراسی خشک و غیرقابل انعطاف از طرفی و ارزش ندادن به انسان و ارزشهای او و محدودیت نقش انسان در آن است. باور اصلی فرهنگ انقلاب اسلامی، قائل بودن به کرامت انسانی در پناه حاکمیت خداوند و عبودیت در مقابل او بود. همین باور موجب برانداختن ساختارهای کهنه رژیم گذشته مبتنی بر باورهای دیگر شد و در مقابل، نهادهای انقلاب اسلامی با ساختارهای نو مبتنی بر باور نوین شکل گرفت.

نهادهای انقلاب، مجموعه‌ای از ارزشها، اعتقادات و باورهای سازمان یافته‌ای است که بنا بر ضرورت و نیازهای موجود در جامعه به وجود آمد؛ متشکل شد و سرانجام،

مورد پذیرش و تصویب جامعه قرار گرفت. نهادهای جهاد سازندگی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصداق‌هایی برجسته است.

چطور می‌شود که مجموعه‌های انتزاعی از ارزشها و هنجارها و اعتقادات سازمان یافته به وجود می‌آید و نهادها بدین ترتیب شکل می‌گیرند؟

یکی از عوامل به وجود آمدن نهادهای ارزشی و قانونی، که نهایتاً به تصویب جامعه هم می‌رسد، نیازها و احتیاجاتی است که در جامعه به وجود می‌آید. این نیازها ابتدا بسیار ساده است و بتدریج به علت کنش و واکنشهای به وجود آمده در جهت برآوردن نیازهای اولیه جامعه، هر روز بارورتر، شکوفاتر، وسیعتر و پیچیده‌تر می‌شوند و به صورت نهاد قانونی و ارزشی درمی‌آید (خلیجی، ۱۳۶۹: ۱۰۲).

انقلاب و یا انفجار اجتماعی در واقع به دنبال انحراف و عملکرد سوء و ضد ارزشی نهادهای کهنه نظام پیشین رخ می‌دهد. نارضایتی مردم و وجود رهبری جامع و توانمند با توسل به قوه قهریه و یا جوه مسالمت آمیز مبارزه، نهادهای کهنه را از هم فرو می‌پاشد و از صحنه عمل جامعه خارج می‌کند. به دنبال این از هم فروپاشی نهادهای غالباً مشوم پیشین، نهادهای نوپا براساس ارزشهای ذهنی مردم انقلابی و در راستای تحقق بخشیدن به آرمانهای مورد قبول ایشان شکل می‌گیرد. این نهادها ضمن پاسداری از ارزشهای انقلاب به عنوان نیروی پیشرو به نهادهای غیرمضر باقیمانده از نظام پیشین، که تشکیل دهنده بدنه عظیم سیستم اداری کشور هستند، راه و رسم مبتنی بر ارزشهای انقلاب را غالباً با ایثار و فداکاریهای خود می‌آموزند و در صراط دستیابی به اصول انقلاب در عمل یاری می‌کنند (بی‌نیاز، ۱۳۶۹: ۱۲۸).

باورهای نوین انقلاب اسلامی و راهبرد ایجاد نهادها

ارزشها، هنجارها و ابزارهای مطلوب امام(ره)، همگی ناشی از اسلام ناب محمدی (ص) بود. اسلام عاری از سنت ایرانی و جاهلیت و تحجر و معاند و معارض با باور سنتی سلطنتی و همچنین معارض با اومانیسم مادی غربی که هر دو به طور نسبی بر ساختار اجتماعی ایران حاکم بود. در این باور، حاکمیت خداوند، رسالت انسان در اجرای وظایف و تکالیف اساسی و دینی خود، وراثت مستضعفین و حکومت آنان، خدمت به محرومان، عدالت اجتماعی و قیام به قسط از ارزشهای اصولی به شمار می‌آید.

طبیعی است که باور انقلابی نیازمند هنجار و ساختاری خاص خویش است که از آن جمله می‌توان از اجرای امور بدون تشریفات و با سرعت هرچه بیشتر، همراه با صداقت و ایثار و جهاد در راه خدا در رفتار را نام برد.

از طرفی نیروهای انقلاب غالباً افرادی بودند خارج از نظام اداری و بوروکراسی حاکم که یا در زندان به سر می‌بردند و یا از دانشجویان در حال تحصیل و افراد کسبه و کشاورزان که به لحاظ حقوقی در نظام و سازمان حاکم عضویتی نداشتند.

از سوی دیگر هرگونه کار انقلابی، سریع و ایثارگرانه در ساختار حقوقی و بوروکراتیک حاکم ناممکن بود. در اینجا دو راهبرد قابل تصور بود:

۱- نابودی سریع و فراگیر و همه‌جانبه تمامی ساختارها و هنجارهای سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و اداری موجود و جایگزین کردن نهادها و ساختاری جدید متناسب با باورهای جدید

این روش را برخی از گروه‌ها به دلیل ساده‌لوحی و یا منافع گروهی پیشنهاد می‌کردند (پیشنهاد انحلال ارتش توسط گروه‌ها) اما واقعیت این بود که حذف آنی

و همه جانبه نهادهای پیشین به علت وابستگیهای شدید فردی و اجتماعی به سازمانها و نهادهای اداری و خدماتی، سیاسی و نظامی همگانی، جامعه را دچار بی نظمی، هرج و مرج و آشوب می کند که در آن هیچ باوری امکان تحقق نداشت و تنها باورهای انحصاری قدرت پس از مدتی ظهور، و از بطن انقلاب و هرج و مرج، دیکتاتوری، تولد می یابد.

۲- ایجاد نهادهای نوین انقلابی متناسب با باور جدید به موازات سازمانهای پیشین همراه با اصلاح ساختار گذشته برای اینکه امور جاری جامعه دچار رکود و از هم گسیختگی نگردد و در ثانی امکان این فراهم شود که با تأنی و تأمل و بتدریج ساختارها و نهادهای لازم جدید شکل یابد (ابوالحسنی، ۱۳۶۹: ۱۶۳-۱۴۹).

بدین ترتیب نهادهای انقلاب اسلامی، تجلی هنجارها و ساختار عینی باور انقلاب شده به گونه ای که ظهور و تحقق واقعی انقلاب اسلامی بدون ظهور آنها ناممکن می بود.

تجربه مهندسی و مدیریت اثربخش نهادهای انقلاب اسلامی، الگویی برای تحول در سازمانهای بوروکراتیک

امروز اگر اهداف و آرمانهای بلندی در جامعه به عنوان اهداف نظام اسلامی مطرح می شود و رهبران و مدیران سازمانها نیز در راستای این اهداف و آرمانها برای خود اهداف بلندی را اعلام می کنند، مشاهده می شود که احیاناً فعالیتهایی در جهت مخالف این اهداف به وقوع می پیوندد و در نهایت نتایجی متضاد به دست می آید. این امر ناشی از آن است که سازمانهای موجود، ویژگیهایی سازگار با تحقق اهداف یاد شده ندارند.

ممکن است این موضوع در مورد سازمانهای شکل گرفته در نظام گذشته بیشتر مصداق داشته باشد ولی در مورد نهادهای انقلاب اسلامی هم در صورتی که به ویژگیهایی لازم کاملاً مجهز نشوند و دارای نظامهای سازمانی متناسب نباشند، قابل وقوع خواهد بود.

وجود نهادهای انقلاب اسلامی ضرورت یافته؛ شکل گرفته و تاکنون رشد و توسعه پیدا کرده است. به اذعان بیشتر دست‌اندرکاران نظام جمهوری اسلامی، عملکرد آنان مؤثر بوده و مورد رضایت واقع شده است. برای اینکه الگوی توسعه مناسبی برای آینده این نهادها و همچنین تغییر و تحول سازمانهای سنتی و کلاسیک سابق بیابیم، یکی از راه‌های مؤثر این است که روند گذشته آنها را مورد مطالعه قرار دهیم و برای آن الگویی کلی بیابیم. براساس این الگو، ویژگیهای لازم سازمانی مشخص، تعریف و تبیین شود و در آینده نهادها بر استمرار این الگو تأکید گردد و تغییر و تحول دیگر سازمانها در سمت و سوی این الگو سامان داده شود.

نظامهای سیاسی و حکومتی در جستجوی رسیدن به اهداف خاص خود سعی می‌کنند بازوهای اجرایی یعنی واحدهای اداری و رسمی و عناصر آنها را به گونه‌ای شکل دهند که تناسب لازم را با حکومت داشته باشد. گزینش و تربیت نیروی انسانی، مدیریت و کارشناسی و انتخاب الگوی سازماندهی و تنظیم مقررات ویژه و عمومی و ... در جهت انجام می‌پذیرد که واحد اداری به تصمیمات حکومت اعتقاد و ایمان داشته، و کارآیی لازم را برای اجرای آنها داشته باشد.

بدیهی است که واحد اداری و بازوی اجرایی که به تناسب هر نظام حکومتی به وجود می‌آید و پرورش می‌یابد، نخواهد توانست به طور کامل خود را با نظام حکومتی دیگری که آرمانها و اهداف خاص خود را دارد، تطبیق دهد. اگر هم چنین

امری امکانپذیر شود به زمان نسبتاً چشمگیری برای تحول آن نیاز خواهد بود. در پی هر تحول اجتماعی و یا بروز انقلاب در جامعه، نظام حکومتی جدید در اولین اقدامات خود سعی بر جایگزینی نیروی انسانی مدیریت در رده‌های بالا و میانی واحدهای اداری و نظام اجرایی می‌کند ولی این امر اگر محدود، و به تغییر وضعیت بخشی از مدیریتها و یا حتی تمام آنها منجر شود و سایر عناصر نظام اجرایی از قبیل کادرهای کارشناسی را که ارکان آن را تشکیل می‌دهد دربرنگیرد و نیز ساختار اداری و مقررات و قوانین ویژه و عمومی آن دست نخورده باقی بماند، انقلاب اجتماعی و حکومت جدید نخواهد توانست بازوهای اجرایی متناسب با خود را شکل دهد. وقتی بازوی اجرایی متناسب با خود را نداشت، طبیعی است که نباید انتظار اجرای کامل سیاستها و برنامه‌ها و تحقق اهداف و آرمانها و ارزشهای خود را داشته باشد. از این گذشته ساختار نظام اجرایی حکومت گذشته که فرهنگ خاص خود را دارد، چون دست نخورده باقی می‌ماند نه تنها نمی‌تواند اهداف و آرمانها و سیاستها و برنامه‌های حکومت جدید را، که از طریق مدیران جایگزین شده به آن عرضه می‌شود، درک و جذب کند بلکه بیشتر اوقات در مقابل آن از خود مقاومت نشان می‌دهد و حتی بر سیاستها و برنامه‌های مدیران جایگزین شده نیز تأثیر می‌گذارد. بقای ساختار نظام اجرایی گذشته در هر جامعه انقلابی به تقویب اقتدار آن منجر می‌شود که تدریجاً فرهنگ خود را بر فرهنگ و ارزشها و آرمانها و اهداف حکومت انقلابی تحمیل، و آن را به عقب‌نشینی از مواضع و ارزشها و آرمانهای خود وادار می‌کند و سرانجام به استحاله انقلاب و ارزشها و آرمانهای آن می‌انجامد.

انقلاب اسلامی تنها انقلاب اجتماعی نبود که به تغییر رژیم سیاسی منجر شود، بلکه انقلابی است که با خود محتوای غنی فرهنگی به همراه دارد و لذا به طریق اولی

باید بازوهای اجرایی متناسب با خود را برای نظام و حکومت اسلامی شکل دهد. ساختار این بازوها و عناصر شکل دهنده آن باید به گونه ای باشد که ارزشها، آرمانها و اهداف انقلاب اسلامی را درک و جذب کند و به آن ایمان داشته و کارآیی لازم را برای اجرای سیاستها و برنامه‌های آن داشته باشد. (حافظ‌نیا، ۱۳۶۹: ۱۲۰-۱۱۹). بر این اساس، اتخاذ استراتژی نهادی‌سازی با اعمال مهندسی و مدیریت فرهنگی بر نظامها و سازمانهای موجود کشور و حتی ایجاد تحول و نوسازی و بازسازی در نهادهای انقلاب اسلامی یک ضرورت است.

در نخستین گام ضرورت دارد به بررسی و تدوین تجربه‌های مدیریت نهادی و تنظیم اصول و ویژگیهای توسعه و تحول نهادها برای توسعه و تحول نظام اداری کشور پرداخت.

شود و اسر انجام، بررسی و تدوین تجارب مدیریت نهادها به صورتی که منشأ تحقیقات و مطالعات لازم الگویی قابل پیروی در تحول و توسعه نظام اداری کشورمان به دست دهد بخوبی انجام پذیرفته است. سیاست و خط مشی کلی که از جانب حضرت امام خمینی (ره) به عنوان معمار اصلی انقلاب اسلامی و دیگر صاحب نظران اعلام شده است با توجه به عملکرد موفق نهادهای انقلاب اسلامی، تهیه و ارائه الگوی مناسبی از مهندسی و مدیریت و وضعیت آنان برای توسعه و تحول در دیگر سازمانها و آینده جامعه است.

امام خمینی (ره) طی پیامی در تاریخ ۱۳۷۳/۶/۲۶ پس از دوران پرافتخار تلاش نهادهای انقلاب اسلامی در دفاع مقدس می‌فرمایند:

«بزرگترین توجه ما باید به بازسازی نیروها و استعدادها و انتقال تجارب نظامی و دفاعی به کلیه آحاد ملت و مدافعان انقلاب باشد؛ چرا که در هنگام نبرد، مجال

پرداختن به همه جهات، قوتها و ضعفها و طرحها و برنامه‌ها و در حقیقت ترسیم استراتژی دفاع همه جانبه نبوده است، ولی در شرایط عادی باید با سعه صدر و به دور از حب و بغض‌ها به این مسائل پرداخت و از همه اندوخته‌ها و تجربه‌ها و استعدادها و طرحها استفاده نمود و در جذب هرچه بیشتر نیروهای مؤمن به انقلاب، همت گماشت و تجارب را به دیگران منتقل ساخت و در تجهیز آحاد افراد این کشور براساس اصول و فرمول خاص دفاع همه جانبه و تا رسیدن به شکل واقعی و حقیقی بسیج و ارتش بیست میلیونی، کوشش نمود» (خمینی، ۱۳۷۳، ج ۱۶: ۱۳۳).

بررسی و مطالعه در مورد نهادهای انقلابی یکی از ضروریات نظام و محافل پژوهشی است؛ چون این نهادها بدون بررسی ممکن است از مسیر حقیقی خود منحرف شوند و به اهداف و نیازهای از قبل تعیین شده نائل نگردند. تنها بررسی و مطالعه مداوم و مستمر و بازگشت به اهداف و نیازها و علل پیدایش نهادها، فرضیه‌ها و نظریه‌های پویا در این زمینه است که می‌تواند روند سالم نهادها را تضمین کند (ایروانی، ۱۳۷۴: ۹۷).

حجة الاسلام والمسلمین انصاری، مسئول مؤسسه حفظ و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره):

امواج دگرگونیا در دنیا لااقل این احتمال را برای ما پیش می‌آورد که چه بسا در پنج یا ده سال دیگر، ده‌ها کشور اسلامی از ما تقاضای طرح و برنامه و تربیت متخصص بکنند و از نهادهای انقلاب اسلامی دعوت کنند و بگویند شما بیاید نتایج تجربیات ملی و اسلامی و انقلابیتان را به دنیا عرضه کنید. دیگر نمی‌توانیم با دنیا به صورت تئوری برخورد کنیم و بگوییم حکومت اسلامی ایران و نظام ما فقط می‌تواند برنامه‌های نظری و علمی بدهد (انصاری، ۱۳۶۹: ۳۴۴).

علایی فرمانده (وقت) نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی: اداره این جنگ، تشکیلات و سازماندهی یگانهای شرکت کننده در جنگ و مدیریت و فرماندهی آن در مجموع توانسته‌اند مانع از رسیدن دشمن به اهدافش گردد لذا سازمانهای بسیجی شرکت کننده در جنگ از بهره‌وری بالایی برخوردار بوده‌اند که می‌تواند مورد بررسی قرار گرفته و امکان به کارگیری آن تجربه‌ها در سایر سازمانهای اداری کشور مورد بررسی قرار گیرد (علایی، ۱۳۷۲: ۱).

جمع‌بندی

انقلاب اسلامی ایران به عنوان جریانی تحول بخش در ساختارهای خرد و کلان نظامهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی جامعه علاوه بر انحلال و ادغام تحول در سازمانهای به جا مانده از رژیم گذشته، زمینه ساز تشکیل نهادهای انقلاب اسلامی به عنوان سازمانهایی نوین شد کارکرد و عملکرد این نهادها که علت محدثه تشکیل آنان انقلاب اسلامی است، علت مبقیه انقلاب اسلامی، و ضرورت و فلسفه وجودی آنها، گسترش و تعمیق انقلاب اسلامی در همه عرصه‌ها و ساختارها باقی است.

سازمانهای بوروکراتیک گذشته و موجود کشور با کارکرد و عملکردی که داشته و دارند در صورتی می‌توانند در تحقق آرمانهای انقلاب اسلامی به عنوان مانع نباشند بلکه مؤثر افتند که نوسازی و بازسازی شوند و تحولی با رویکرد فرهنگی به خود پذیرند.

تجربه ای که از مهندسی و مدیریت نهاد های انقلاب اسلامی بخصوص در دهه اول انقلاب اسلامی برجای مانده است بهترین راهنمای عملی مدیران، رهبران تحول و مهندسی فرهنگی این گونه سازمانها خواهد بود.

پیشنهادها

- امیدواریم نهادهای انقلاب اسلامی با تلاش و هماهنگی و انسجامی هرچه بیشتر:
- ۱- فلسفه وجودی خود را در گذشته، حال و آینده تبیین، و به جامعه علمی و مدیریتی کشور ارائه کنند.
 - ۲- چشم اندازی مطلوب برای آینده نهادهای انقلاب اسلامی ترسیم، و سیاستها و استراتژیها و برنامه های بهبود و تحول و توسعه خود را تدوین کنند.
 - ۳- منشور مدیریت نهادی را تهیه و به عنوان میثاقی ارزشمند برای حفظ و رشد خود و راهبردی اثربخش برای توسعه مدیریت کشور اعلام کنند.

منابع فارسی

- ایروانی، محمدجواد (۱۳۷۴). «نهادگرایی و جهاد سازندگی»، (پایان نامه)، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران.
- انصاری، محمدعلی (۱۳۶۹). «امام، انقلاب و نهادهای انقلاب اسلامی»، مجموعه مقالات اولین کنگره نهادهای انقلاب اسلامی، تهران: مرکز چاپ و انتشار سازمان تبلیغات اسلامی.
- ابوالحسنی (۱۳۶۹). «علل پیدایش نهادهای انقلاب اسلامی پس از پیروزی انقلاب اسلامی»، مجموعه مقالات اولین کنگره بزرگ نهادهای انقلاب اسلامی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
- بی‌نیاز، علی (۱۳۶۹). «مروری بر تجربه نهادهای خلقی انقلاب سوسیالیستی شوروی و طراحی پیرامون تشکیل مرکز مطالعات و تحقیقات نهادهای انقلاب اسلامی»، مجموعه مقالات اولین کنگره نهادهای

- انقلاب اسلامی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
 حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۶۹). «ضرورت اتخاذ استراتژی نهادی کردن نظام اجرایی کشور»، مجموعه مقالات اولین کنگره بزرگ نهادهای انقلاب اسلامی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
 خلیجی (۱۳۶۹). «نهادهای انقلاب اسلامی و تحولات اجتماعی، اقتصادی»، مجموعه مقالات اولین کنگره نهادهای انقلاب اسلامی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
 خمینی، روح‌الله (۱۳۷۳). «صحیفه نور»، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 رضائیان، علی (۱۳۷۴). «نشریه دانش مدیریت»، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، شماره ۲۹ و ۳۰.
 عسکراولادی، حبیب‌ا... (۱۳۶۹). «نهادهای انقلاب اسلامی و نقش آنان در پاسداری از آرمانهای حضرت امام (ره)»، مجموعه مقالات اولین کنگره نهادهای انقلاب اسلامی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
 علایی، محمود (۱۳۷۲). «مدیریت در جبهه در مقایسه با مدیریت سازمانهای اداری» (پایان‌نامه)، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران.
 محمدی، منوچهر (۱۳۶۹). «نظام اداری، تحول یا اصلاح»، مجموعه مقالات اولین کنگره نهادهای انقلاب اسلامی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
 مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). مجموعه آثار. ج ۲. تهران: صدرا.
 نوری، عبدا... (۱۳۶۹). «نهادهای انقلاب اسلامی»، مجموعه مقالات اولین کنگره نهادهای انقلاب اسلامی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.



پښتو پوهنتون
پرتال جامع علوم انساني